

ارزیابی گزارش صد کتاب اصحاب امام صادق علیه السلام به روایت احمد اشعری از ابن اُبی عمیر

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۱۲ - تاریخ تأیید: ۹۷/۱۱/۱۹)

احسان سرخه‌ای^۱

سید محسن میرغفاری^۲

چکیده

ابن اُبی عمیر از راویان برجسته اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم و از طبقه سوم اصحاب اجماع است. وی محضر امام کاظم علیه السلام، امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام را درک کرده و یکی از راویان شاخص در نقل وانتقال منابع حدیثی به شاگردانش بوده است. احمد بن محمد بن عیسی اشعری از برجسته‌ترین شاگردان وی به‌شمار می‌رود. بنابر گزارش شیخ طوسی، احمد اشعری آثار صد نفر از اصحاب امام صادق علیه السلام را از طریق ابن اُبی عمیر روایت کرده است؛ این نوشتار برآن است تا با استناد به فهرس برجای مانده و شواهد موجود، این گزارش را مورد ارزیابی و راستی‌آزمایی قرار دهد؛ با توجه به مستندات موجود می‌توان حدس زد این عدد تقریبی و نزدیک به واقعیت بوده است.

واژگان کلیدی: ابن اُبی عمیر، احمد اشعری، فهرست، روایت، منابع حدیثی

۱. عضو پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ sorkhei@Hadith.net.

۲. پژوهشگر حوزه علمیه قم؛ moc.liamg@mirafahgri.

رسول خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اصحاب را به نوشتن آیات الهی و احادیث نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امر می‌کردند. سیر کتابت احادیث نسل به نسل ادامه یافت تا آنکه در زمان امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام تدوین کتاب میان راویان امامیه به شیوه رایج محدثان بدل گشت؛ تا آنجاکه روایت مجموعه‌های حدیثی از فعالیت‌های راویان این دوره به شمار آمد؛ محدثان گاه آثار خود را به راویان دیگر می‌سپردند و گاه کتب دیگر محدثان را دریافت کرده و به راویان نسل‌های بعد، انتقال می‌دادند. یکی از کسانی که در انتقال آثار خود و دیگر محدثان و نشر و ترویج روایات ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام نقش ویژه‌ای ایفا نموده، ابن ابی عمیر است.

«محمد بن زیاد بن عیسی الأزدی» مشهور به ابن ابی عمیر، بغدادی الاصل و از راویان عظیم‌الشان شیعه در اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم است.^۱ وی از طبقه سوم اصحاب اجماع^۲ و از موثق‌ترین راویان در نزد امامیه و عامه به شمار می‌رود.^۳

درباره سال ولادت این محدث جلیل‌القدر اطلاعات دقیقی در دست نیست؛ اما نجاشی به صراحت سال ۲۱۷ را تاریخ وفات وی اعلام کرده، او را هم عصر امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام و امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام دانسته است.^۴ به نظر شیخ طوسی نیز وی محضر امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام، امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام و امام جواد عَلَيْهِ السَّلَام را درک کرده است.^۵

نقش ابن ابی عمیر در ترویج احادیث معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام بسیار گسترده است. گزارش‌های موجود در منابع فهرست و جوامع حدیثی، گویای آن است که وی را باید یکی از برجسته‌ترین نقاط تمرکز و انتشار احادیث در میان محدثان امامیه دانست؛ همچنین بررسی فهرس برجای مانده و اسناد موجود در آثار حدیثی نشان می‌دهد که از میان شاگردان ابن ابی عمیر، احمد بن محمد بن عیسی اشعری از امتیاز خاصی برخوردار بوده است.

با آنکه بیشتر روایات ابن ابی عمیر با گزارش ابراهیم بن هاشم به منابع حدیثی شیعه راه یافته؛ ولی از عبارت شیخ طوسی درباره ابن ابی عمیر، چنین

۱. رجال النجاشی، ص ۳۲۶، ش ۸۸۷.

۲. رجال الکشی، ص ۵۵۶، ش ۱۰۵۰.

۳. الفهرست، ص ۴۰۴، ش ۶۱۸.

۴. رجال النجاشی، ص ۳۲۶، ش ۸۸۷.

۵. الفهرست، ص ۴۰۴، ش ۶۱۸.

برمی‌آید که تنها احمد بن محمد بن عیسی اشعری آثار صد محدث مؤلف را از او گرفته و به دیگران انتقال داده است. شیخ طوسی در این باره می‌نویسد: «روی عنه أحمد بن محمد بن عیسی کتب مائة رجل من رجال أبي عبدالله علیه السلام»^۱.
 با فرض پذیرش این گزارش، چند نکته آشکار می‌شود؛ نخست، نقش محوری منابع مکتوب در انتقال تراث حدیثی امامیه؛ دوم، اهتمام محدثان امامیه به نشر احادیث؛ سوم، نقش بزرگانی مانند احمد اشعری در انتقال میراث مشایخ کوفه و بغداد به قم.

این نوشتار در پی راستی‌آزمایی صحت این گزارش با استناد به شواهد موجود است. بر این اساس تلاش شده، تا آثاری که احمد بن محمد بن عیسی از طریق ابن ابی عمیر از اصحاب امام صادق علیه السلام روایت کرده شناسایی و تعداد تقریبی آن‌ها شمارش شود.

برای این راستی‌آزمایی، اثبات سه مطلب لازم است:

الف) آثار این محدثان مؤلف به دست ابن ابی عمیر رسیده است؛

ب) این آثار از ابن ابی عمیر به احمد بن محمد بن عیسی منتقل شده است؛

ج) احمد بن محمد بن عیسی آن‌ها را برای شاگردان خود روایت کرده است.

برای برآورد تعداد این مؤلفان، علاوه بر مراجعه به فهرست‌ها و مشیخه‌های نگاشته شده تا قرن پنجم، از جوامع حدیثی نیز برای بررسی طرق انتقال احادیث استفاده شده است؛ هدف از مراجعه به اسناد روایات، کشف طرق نقل و انتقال آثاری است که در فهرس و مشیخه‌ها گزارش نشده است. یادآوری این نکته ضروری است که مؤلفان گزارش شده در این نوشتار همگی با استناد به منابع رجال و فهرست از اصحاب امام صادق علیه السلام هستند.

فهرست مؤلفان

با کاوش در منابع مذکور، فهرست محدثانی که احمد بن محمد بن عیسی از ابن ابی عمیر از مؤلفان آن‌ها روایت کرده، به دست می‌آید. با استناد به این منابع، سه مطلب یاد شده برای درج این مجموعه در گزارش شیخ طوسی، قابل اثبات است. اسامی زیر نام مؤلفان این آثار است:

۱. الفهرست، ص ۴۰۴، ش ۶۱۸.

۱. اسباط بن سالم^۱
۲. بشار بن یسار^۲
۳. بشر بن مسلمه^۳
۴. جعفر بن عثمان بن شریک^۴
۵. حبیب بن المعلل^۵
۶. الحسن بن زیاد العطار^۶
۷. الحسین بن أبی حمزه^۷
۸. الحسین بن احمد المنقری^۸
۹. الحسین بن حمزه الليثی^۹
۱۰. الحسین بن عثمان الاحمسی^{۱۰}
۱۱. الحسین بن موسی الحنات^{۱۱}
۱۲. الحسین بن نعیم الصحاف^{۱۲}
۱۳. حفص بن سالم^{۱۳}
۱۴. حفص بن سوقه^{۱۴}
۱۵. الحکم بن ایمن الحنات^{۱۵}
۱۶. الحکم بن مسکین الأعمی^{۱۶}

۱. الفهرست، ۹۰، ش ۱۲۳.
۲. رجال النجاشی، ص ۱۱۳، ش ۲۹۰؛ الفهرست، ص ۹۷، ش ۱۳۱.
۳. رجال النجاشی، ص ۱۱۱، ش ۲۸۵؛ الفهرست، ص ۹۷، ش ۱۳۰.
۴. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۲۷؛ نیز، ن.ک: رجال النجاشی، ص ۱۲۴، ش ۳۲۰.
۵. رجال النجاشی، ص ۱۴۱، ش ۳۶۸؛ الفهرست، ص ۱۶۴، ش ۲۵۳.
۶. رجال النجاشی، ص ۴۷، ش ۹۶؛ الفهرست، ص ۱۲۷، ش ۱۷۳.
۷. الفهرست، ص ۱۴۴، ش ۲۱۴.
۸. الفهرست، ص ۱۴۴، ش ۲۱۳.
۹. رجال النجاشی، ص ۵۴، ش ۱۲۱.
۱۰. رجال النجاشی، ص ۵۴، ش ۱۲۲؛ الفهرست، ص ۱۴۳، ش ۲۱۲، ص ۱۴۴، ش ۲۱۵.
۱۱. رجال النجاشی، ص ۴۵، ش ۹۰؛ الفهرست، ص ۱۲۷، ش ۱۷۲.
۱۲. رجال النجاشی، ص ۵۳، ش ۱۲۰؛ الفهرست، ص ۱۴۵، ش ۲۱۶.
۱۳. الفهرست، ص ۱۵۹، ش ۲۴۵.
۱۴. الفهرست، ص ۱۵۹، ش ۲۴۴.
۱۵. رجال النجاشی، ۱۳۷، ش ۳۵۴؛ الفهرست، ص ۱۶۰، ش ۲۴۶.
۱۶. الفهرست، ص ۱۶۰، ش ۲۴۷.

۱۷. ابو إسماعيل البصرى (حماد بن زيد)^۱
 ۱۸. حنان بن سدير الصيرفي^۲
 ۱۹. خالد بن صبيح^۳
 ۲۰. خلاد بن خالد^۴
 ۲۱. داود بن زربي^۵
 ۲۲. داود بن سليمان، ابو سليمان الحمار^۶
 ۲۳. داود بن كثير الرقي^۷
 ۲۴. ربيع الأصم^۸
 ۲۵. سعد بن أبي خلف^۹
 ۲۶. سعيد بن بيان، ابو حنيفه سائق الحاج^{۱۰}
 ۲۷. سعيد بن غزوان^{۱۱}
 ۲۸. سعيد بن مسلمه^{۱۲}
 ۲۹. سفیان بن صالح^{۱۳}
 ۳۰. ابو عبد الله سليم بن عمران الفراء^{۱۴}
 ۳۱. شعيب بن أعين الحداد^{۱۵}
 ۳۲. شهاب بن عبد ربه^{۱۶}

۱. الفهرست، ص ۵۳۲، ش ۸۵۹.

۲. الفهرست، ص ۱۶۴، ش ۲۵۴.

۳. رجال النجاشي، ص ۱۵۰، ش ۳۹۳؛ الفهرست، ص ۱۷۳، ش ۲۶۷.

۴. الفهرست، ص ۱۷۵، ش ۲۷۰.

۵. الفهرست، ص ۱۸۲، ش ۲۸۰.

۶. الفهرست، ص ۵۳۴، ش ۸۶۶؛ نیز، ن. ک: رجال النجاشي، ص ۱۶۰، ش ۴۲۳.

۷. الفهرست، ص ۱۸۳، ش ۲۸۱.

۸. الفهرست، ص ۱۹۳، ش ۲۹۱.

۹. رجال النجاشي، ص ۱۷۸، ش ۴۶۹.

۱۰. الفهرست، ص ۵۳۳، ش ۸۶۴؛ نیز، ن. ک: رجال النجاشي، ص ۱۸۰، ش ۴۷۶.

۱۱. الفهرست، ص ۲۱۹، ش ۳۲۴.

۱۲. رجال النجاشي، ص ۱۸۲، ش ۴۸۰؛ الفهرست، ص ۲۲۰، ش ۳۲۵.

۱۳. رجال النجاشي، ص ۱۹۰، ش ۵۰۷؛ الفهرست، ص ۲۲۹، ش ۳۲۴.

۱۴. الفهرست، ص ۵۳۱، ش ۸۵۸.

۱۵. الفهرست، ص ۲۳۶، ش ۳۵۳.

۱۶. رجال النجاشي، ص ۱۹۶، ش ۵۲۳؛ الفهرست، ص ۲۳۷، ش ۳۵۵.

۳۳. صالح بن رزین^۱
 ۳۴. عباد بن صهیب^۲
 ۳۵. عبد الرحمن بن الحجاج البجلي^۳
 ۳۶. عبد الغفار بن القاسم (ابو مريم الانصارى)^۴
 ۳۷. عبد الله بن الحجاج البجلي^۵
 ۳۸. عبید الله بن علی الحلبي^۶
 ۳۹. العلاء بن المقعد^۷
 ۴۰. علی بن أبی حمزه البطائنی^۸
 ۴۱. علی بن الحسن الصيرفي^۹
 ۴۲. عمر بن اذینه^{۱۰}
 ۴۳. عمر بن عاصم^{۱۱}
 ۴۴. الفضل بن یونس الكاتب^{۱۲}
 ۴۵. القاسم بن الفضیل^{۱۳}
 ۴۶. کلب بن معاویه الاسدی^{۱۴}
 ۴۷. مالک بن انس الاصبحي^{۱۵}
 ۴۸. المثنی بن الحضرمی^{۱۶}

۱. الفهرست، ص ۲۴۴، ش ۳۶۰.
 ۲. الفهرست، ص ۳۴۴، ش ۵۴۳.
 ۳. کتاب من لايحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۴۷؛ نیز، ن. ک: رجال النجاشی، ص ۲۳۷، ش ۶۳۰؛ الفهرست، ص ۳۱۰، ش ۴۷۴.
 ۴. الفهرست، ص ۵۳۵، ش ۸۶۸؛ نیز، ن. ک: رجال النجاشی، ص ۲۴۶، ش ۶۴۹.
 ۵. رجال النجاشی، ص ۲۲۵، ش ۵۸۹.
 ۶. الفهرست، ص ۳۰۵، ش ۴۶۷.
 ۷. رجال النجاشی، ص ۲۹۹، ش ۸۱۲؛ الفهرست، ص ۳۲۳، ش ۵۰۲.
 ۸. الفهرست، ص ۲۸۳، ش ۴۱۹.
 ۹. رجال النجاشی، ص ۲۷۵، ش ۷۲۳.
 ۱۰. کتاب من لايحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۶۳؛ نیز، ن. ک: رجال النجاشی، ص ۲۸۳، ش ۷۵۲؛ الفهرست، ص ۳۲۴، ش ۵۰۴.
 ۱۱. الفهرست، ص ۳۲۹، ش ۵۱۴.
 ۱۲. الفهرست، ص ۳۶۳، ش ۵۶۵.
 ۱۳. رجال النجاشی، ص ۳۱۳، ش ۸۵۶.
 ۱۴. الفهرست، ص ۳۷۷، ش ۵۸۴.
 ۱۵. الفهرست، ص ۴۷۰، ش ۷۵۲.
 ۱۶. رجال النجاشی، ص ۴۱۴، ش ۱۱۰۴؛ الفهرست، ص ۴۶۸، ش ۷۴۹.

۴۹. محمد بن أبي حمزه الثمالي^۱
 ۵۰. محمد الحداد^۲
 ۵۱. محمد بن حكيم^۳
 ۵۲. محمد بن حمران بن اعين^۴
 ۵۳. محمد بن قيس^۵
 ۵۴. محمد بن قيس البجلي^۶
 ۵۵. محمد بن مارد التميمي^۷
 ۵۶. محمد بن ميسر^۸
 ۵۷. محمد بن يحيى الخثعمي^۹
 ۵۸. معاوية بن ميسره بن شريح^{۱۰}
 ۵۹. منصور بن يونس بزرج^{۱۱}
 ۶۰. مهران بن محمد بن أبي نصر^{۱۲}
 ۶۱. الوليد بن العلاء الوصافي^{۱۳}
 ۶۲. هشام بن الحكم^{۱۴}
 ۶۳. يحيى اللحام الكوفي^{۱۵}
 ۶۴. يعقوب السراج^{۱۶}

۱. رجال النجاشي، ص ۳۵۸، ش ۹۶۱؛ الفهرست، ص ۴۱۹، ش ۶۴۲.
 ۲. رجال النجاشي، ص ۳۵۸، ش ۹۶۰.
 ۳. الفهرست، ص ۴۲۱، ش ۶۴۸. احتمالاً وی همان الخثعمی است. ن.ک: رجال النجاشي، ص ۳۵۷، ش ۹۵۷؛ رجال الطوسي، ص ۲۸۰، ش ۴۰۵۵؛ کتاب من لايحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۸۹.
 ۴. رجال النجاشي، ص ۴۱۸، ش ۶۳۸.
 ۵. الفهرست، ص ۴۲۰، ش ۶۴۵.
 ۶. الفهرست، ص ۳۸۶، ش ۵۹۲.
 ۷. الفهرست، ص ۴۲۱، ش ۶۴۷.
 ۸. رجال النجاشي، ص ۳۶۸، ش ۹۹۷؛ الفهرست، ص ۴۲۰، ش ۶۴۴.
 ۹. الفهرست، ص ۴۱۹، ش ۶۴۳.
 ۱۰. رجال النجاشي، ص ۴۱۰، ش ۱۰۹۳؛ الفهرست، ص ۴۶۴، ش ۷۳۹.
 ۱۱. الفهرست، ص ۴۵۹، ش ۷۳۱.
 ۱۲. رجال النجاشي، ص ۴۲۳، ش ۱۱۳۵.
 ۱۳. رجال النجاشي، ص ۴۳۲، ش ۱۱۶۲؛ الفهرست، ص ۴۸۹، ش ۷۸۱.
 ۱۴. کتاب من لايحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۳۷؛ نیز، ن.ک: رجال النجاشي، ص ۴۳۳، ش ۱۱۶۴؛ الفهرست، ص ۴۹۴، ش ۷۸۳.
 ۱۵. الفهرست، ص ۵۰۳، ش ۷۹۵.
 ۱۶. الفهرست، ص ۵۰۸، ش ۸۰۸.

- ۶۵. یعقوب بن شعیب بن میثم^۱
- ۶۶. یونس بن یعقوب البجلی^۲
- ۶۷. ابو عبدالله بن محمد^۳
- ۶۸. ابومالک الجهنی^۴
- ۶۹. ابومحمد الخزاز^۵
- ۷۰. ابومحمد الفزاری^۶
- ۷۱. ابومحمد الواسطی^۷
- ۷۲. ابویحیی الحنطی^۸

فهرست فوق، اسامی ۷۲ مؤلفی است که روایت آثار ایشان از سوی احمد بن محمد بن عیسی از ابن اَبی عمیر در فهارس و مشیخه کتاب من لایحضره الفقیه آمده و سه گام مورد نظر برای درج نام ایشان در گزارش شیخ طوسی برداشته شده است. این تعداد هنوز با روایت صد منبع که در الفهرست بود، فاصله دارد. بنابراین لازم است پس از مراجعه به کتب فهارس، برای بررسی درستی عبارت شیخ طوسی، دیگر شواهد موجود نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند.

فهرست دیگر مؤلفان

پیش از ادامه پیگیری راستی آزمایی قول شیخ طوسی، در این بخش از پژوهش ناگزیر باید نکاتی بیان گردد. چنانکه در مقدمه گذشت کتابت احادیث در میان اصحاب امامیه در عصر صادقین علیهم السلام به دوران شکوفایی خویش رسید؛ به عبارت دیگر در این دوره کتابت حدیث برای حفظ گفتار معصومان علیهم السلام به فرهنگ عمومی میان راویان بدل گشت.^۹ گستردگی نگارش احادیث سبب

۱. رجال النجاشی، ص ۴۵۰، ش ۱۲۱۶.
۲. الفهرست، ص ۵۱۲، ش ۸۱۴.
۳. الفهرست، ص ۵۳۲، ش ۸۶۱.
۴. رجال النجاشی، ص ۴۶۱، ش ۱۲۶۵، ص ۵۳۲، ش ۸۶۰.
۵. رجال النجاشی، ص ۴۶۱، ش ۱۲۶۶؛ الفهرست، ص ۵۳۳، ش ۸۶۲.
۶. الفهرست، ص ۵۳۳، ش ۸۶۳.
۷. الفهرست، ص ۵۳۴، ش ۸۶۷.
۸. الفهرست، ص ۵۳۵، ش ۸۶۹.

۹. ن.ک: سید محمد عمادی حائری، بازسازی متون کهن حدیث شیعه؛ احسان سرخه‌ای، اعتبار سنجی روایات شیعه بر پایه ارزیابی منابع مکتوب (تا قرن پنجم هجری)؛ محمود ملکی، بازپژوهی منابع الکافی (بخش الاصول)؛ عبدالرضا حمادی و سید علیرضا حسینی،

شد، روایت شفاهی و سینه‌به‌سینه کمرنگ شود و احادیث به شکل مکتوب نقل و انتقال یابد.

اصحاب برای حفظ این مکتوبات ازسویی و به دلیل درخواست طالبان علم از ایشان، آن‌ها را در اختیار شاگردان و محدثان دیگر قرار می‌دادند. این شیوه از نقل و انتقال به دلایل مختلف مانند اطمینان از برابری نسخه اصل با متن استنساخ شده، مستلزم سماع و قرائت بود که البته برخی طرق دیگر تحمل حدیث^۱ نیز به آن‌ها افزوده شد.

محدثانی که در دوره‌های بعد منابع حدیثی را با استفاده از این روش به دست آورده بودند، در هنگام نگارش آثار حدیثی، متعهد بودند که در شیوه استناددهی به منابع، نام راویان نسخ و پدیدآورنده منبع را نیز یادآور شوند؛ بنابراین سلسله اسناد موجود در ابتدای احادیث، مشتمل بر اسامی افراد دخیل در نقل و انتقال احادیث است. شیوه‌ای که در بین محدثان متقدم رواج داشت.

در این میان، برخی از منابع به علت‌های مختلف در سیر انتقال آثار به شهرت رسیده و با استقبال محدثان مواجه می‌شدند؛ از این رو راویان و نسخ آن فراوان و طرق انتقال منبع از مؤلف به دیگران متعدد می‌گردید.

باتوجه به این نکات چه‌بسا بررسی اسناد موجود در ابتدای احادیثی که در جوامع و منابع حدیثی نقل شده‌اند بتواند یکی از آثار روایت شده ازسوی ابن ابی عمیر به احمد اشعری را رهنمون کند؛ به عبارت دیگر آن سند می‌تواند طریقی به یکی از آثاری باشد که ابن ابی عمیر در انتقال آن به دیگران نقش ایفاء نموده؛ اما گزارشی از آن در فهرس نیست.

با مراجعه به سلسله اسناد روایات می‌توان به اسامی راویانی از اصحاب امام صادق علیه السلام دست یافت که روایات ایشان به واسطه ابن ابی عمیر به احمد بن محمد بن عیسی منتقل شده است. ابن ابی عمیر گاه این روایات را بدون واسطه و گاه با واسطه از این افراد روایت می‌کند؛ اگر محدث یادشده بر اساس مستندات برجای مانده، از اصحاب امام صادق علیه السلام و مؤلف کتاب باشد می‌توان به احتمال، وی را نیز در شمار یکی از صد مؤلفی که در گزارش شیخ طوسی آمده، جای داد. در این صورت محتمل است با استناد به فهرس موجود، بتوان روایت یک کتاب

ازسوی ابن اُبی عمیر را اثبات کرد یا نتوان گزارشی از آن به دست آورد. ازسوی دیگر در بررسی شهرت یک اثر ممکن است شواهدی از اشتهار به دست آید یا قرینه‌ای برای شهرت آن در اختیار نباشد. از ترکیب این حالات می‌توان منابع را در چهار دسته زیر جای داد.

(الف) روایت کتاب ازسوی ابن اُبی عمیر گزارش شده و کتاب شهرت نیز داشته است؛

(ب) روایت کتاب ازسوی ابن اُبی عمیر گزارش شده؛ اما شاهی بر شهرت کتاب نداریم؛

(ج) روایت کتاب ازسوی ابن اُبی عمیر گزارش نشده؛ اما کتاب شهرت داشته است؛

(د) روایت کتاب ازسوی ابن اُبی عمیر گزارش نشده و شاهی نیز بر شهرت کتاب نداریم.

بنابراین لازم است این حالات بررسی شود؛ زیرا روایت کتاب ازسوی ابن اُبی عمیر یا شهرت اثر این ظرفیت را دارد که شاهی برای روایت آن ازسوی احمد اشعری تلقی شود. در دو حالت اخیر اگر گزارش احمد بن محمد بن عیسی از ابن اُبی عمیر از فردی به گستردگی در اسناد احادیث انعکاس یافته باشد، احتمال روایت کتاب وی ازسوی این دو، قابل طرح است؛ البته مشروط بر آنکه مؤلف بودن آن فرد در فهرس به اثبات رسیده باشد.

برای کسب اطلاع از اشتهار اثر می‌توان به یکی از دو دلیل زیر استناد کرد:

۱- در کتب فهرس به گزارش «یرویه عنه جماعة» و مانند آن از ابن اُبی عمیر یا از مشایخ یکی دو طبقه بعدی تصریح شده باشد.

۲- تعدد طرق ارائه شده در فهرس و مشیخه‌ها که نشان‌دهنده روایت یک اثر ازسوی افراد متعدد است.

البته شهرت می‌تواند نشانه اعتماد محدثان و اعتبار و درستی نسبی اخبار موجود در کتاب نیز باشد.

حال ضروری است اسامی راویان مؤلفی که در هر یک از این چهار دسته قرار می‌گیرد، مورد واکاوی قرار گیرد:

گروه الف

این دسته به راویان مؤلفی اختصاص دارد که گزارشی از آثار و روایت ابن اُبی عمیر از ایشان در فهرس موجود بوده و شواهدی بر اشتهار آن‌ها در دست است،

اما از روایت این آثار از سوی احمد بن محمد بن عیسی از ابن اُبی عمیر در فهارس، اطلاعی در دست نیست.

اگر نام ابن اُبی عمیر به عنوان راوی کتاب در یکی از کتب فهارس ذکر شده، نمی‌آزآنچه برای رسیدن به مقصود، یعنی احراز نقل احمد اشعری از ابن اُبی عمیر، حاصل شده است. براین اساس، ضروری است احتمال گزارش این اثر از ابن اُبی عمیر به احمد بن محمد بن عیسی مورد بررسی قرار گیرد.

از میان آثاری که ابن اُبی عمیر راوی آن‌ها بوده، در نقل و انتقال منابع حدیثی میان اصحاب و در بازه زمانی حضور مؤلف یا مدت زمانی کوتاه پس از حیات مؤلف، به شهرت رسیده‌اند؛ بنابراین کتاب به دست افراد مختلف رسیده و از سوی راویان متعدد گزارش شده است.

یکی از راویان مهم حاضر در طبقه بعد از ابن اُبی عمیر و از برجسته‌ترین شاگردان وی، احمد بن محمد بن عیسی اشعری است. با توجه به شخصیت احمد بن محمد بن عیسی در گزارش کتب و روایت آن‌ها^۱، می‌توان این حدس را مطرح کرد که اگر کتابی به دست ابن اُبی عمیر رسیده و در عصر خود نیز شهرت یافته، به صورت طبیعی از ابن اُبی عمیر به دست احمد اشعری نیز رسیده است.

حال اگر اسناد احادیث نیز براساس آنچه پیشتر درباره ارتباط روایت منابع با شیوه گزارش اسناد گذشت، حاکی از دسترسی و روایت کتاب از سوی احمد بن عیسی باشد، می‌توان این احتمال را تحقق یافته دانست. در فهرست زیر برای اثبات اشتهاار اثر به اختصار به یکی از دو روش یادشده اشاره شده است.

راویان این گروه عبارت‌اند از:

۱. ابراهیم بن عبدالحمید

دلیل اشتهاار: «له کتاب نوادر یرویه عنه جماعة»^۲.

نجاشی این کتاب را از طریق «جعفر بن عبد الله المحمدی» از ابن اُبی عمیر از مؤلف گزارش کرده است.^۳ تنها یک روایت در منابع حدیثی از طریق احمد بن محمد بن عیسی از ابن اُبی عمیر از این راوی در دسترس قرار دارد.^۴

۱. برای نمونه، ن. ک: رجال النجاشی، ص ۳۹، ش ۸۰.

۲. رجال النجاشی، ص ۲۰، ش ۲۷.

۳. رجال النجاشی، ص ۲۰، ش ۲۷.

۴. تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۵۵، ح ۳۲.

۲. ابراهیم بن عثمان / عیسی (ابو ایوب الخراز)

دلیل اشتها: «له کتاب نوادر کثیر الرواة عنه»^۱.

کتاب نوادر از دو طریق مختلف به شیخ طوسی و نجاشی گزارش شده است که نام ابن ابی عمیر در طریق شیخ طوسی دیده می‌شود. شیخ طوسی کتاب را از طریق محمد بن الحسین بن ابی الخطاب از محمد بن ابی عمیر و صفوان از مؤلف روایت کرده است.^۲ از روایات بدون واسطه احمد اشعری از ابن ابی عمیر از خزاز، تنها دو گزارش برجای مانده است.^۳

۳. اسحاق بن عمار الصیرفی

دلیل اشتها: «له کتاب نوادر یرویه عنه عدة من أصحابنا».^۴

شیخ طوسی اصل او را مورد اعتماد دانسته و آن را به واسطه ابن ابی الخطاب از ابن ابی عمیر از مؤلف گزارش کرده است.^۵ علیرغم آنکه شیخ طوسی ابن ابی عمیر را راوی بدون واسطه از اسحاق بن عمار معرفی نموده، بررسی اسناد روایات این مطلب را تأیید نمی‌کند؛ زیرا در بیشتر آن‌ها یک راوی دیگر میان ابن ابی عمیر و اسحاق واسطه شده است. روایات احمد اشعری از ابن ابی عمیر از اسحاق بن عمار نیز از همین قبیل است.^۶

۴. جمیل بن دراج

دلیل اشتها: «له کتاب رواه عنه جماعات من الناس و طرقه کثیرة».^۷

نجاشی این کتاب را از طریق ابن فضال از ایوب بن نوح از ابن ابی عمیر از مؤلف و شیخ طوسی^۸ آن را از طریق صفار از یعقوب بن یزید از ابن ابی عمیر و صفوان از مؤلف روایت کرده‌اند. روایات متعددی از طریق احمد اشعری از ابن ابی عمیر از جمیل بن دراج گزارش شده است.^۹

۱. رجال النجاشی، ص ۲۰، ش ۲۵.

۲. الفهرست، ص ۱۸، ش ۱۳.

۳. ن. ک: الکافی، ج ۸، ص ۳۰۵، ح ۴۷۳؛ تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲۰، ح ۱.

۴. رجال النجاشی، ص ۷۱، ش ۱۶۹.

۵. الفهرست، ص ۳۹، ش ۱۶۹.

۶. برای نمونه، ن. ک: الکافی، ج ۴، ص ۴۴، ح ۳، ص ۱۷۳، ح ۱۷، ج ۵، ص ۲۳۸، ح ۳؛

تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۹۰، ح ۳۱.

۷. رجال النجاشی، ص ۱۲۶، ش ۳۲۸.

۸. الفهرست، ص ۱۱۴، ش ۱۵۴.

۹. برای نمونه، ن. ک: الکافی، ج ۱، ص ۲۷۹، ح ۴، ص ۴۴۶، ح ۲۲، ج ۲، ص ۳۸، ح ۶، ج ۳، ص ۴۶۴،

ح ۴، ص ۵۵۷، ج ۱، ص ۵، ح ۲۲۹، ج ۱؛ تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۹۳، ح ۱۳، ج ۵، ص ۱۶۶، ح ۷۸،

۵. جمیل بن صالح الاسدی

دلیل اشتهار: «أكثر ما يرى منه نسخة رواية الحسن بن محبوب أو محمد بن أبي عمير»^۱ و «عن غير واحد، عن جميل بن صالح»^۲.

نجاشی با اشاره به روایت کتاب ازسوی محدثان قمی و کوفی، سه طریق معرفی می‌کند. در طریق دوم نام ابن نهیک از ابن ابی عمیر از مؤلف و در طریق سوم نام احمد اشعری از علی بن حدید از مؤلف دیده می‌شود. نجاشی نسخه‌های روایت شده ازسوی ابن محبوب و ابن ابی عمیر را مشهورتر دانسته است.^۳ روایات متعددی از طریق احمد اشعری از ابن ابی عمیر از جمیل بن صالح گزارش شده است.^۴

۶. الحارث بن المغيرة

دلیل اشتهار: «له كتاب يرويه عدة من أصحابنا»^۵.

شیخ صدوق در معرفی طریقتش به حارث بن مغیره آن را به واسطه محمد بن خالد برقی از یونس بن عبدالرحمن و ابن ابی عمیر از مؤلف، روایت کرده است.^۶ در هیچ سندی، روایت احمد از ابن ابی عمیر بدون واسطه از حارث مشاهده نمی‌شود. شیخ صدوق تنها یک خبر^۷ را در فقیه از حارث آورده است. به نظر می‌رسد برای اثبات روایت بدون واسطه کتاب حارث ازسوی ابن ابی عمیر نمی‌توان تنها به این طریق بسنده نمود.

۷. الحسين بن زيد ذو الدمعه

دلیل اشتهار: «كتابه تختلف (يختلف) الرواية له»^۸.

عبارت فوق از نجاشی درباره طرق و نسخه‌های کتاب، اگرچه به اختلاف نسخ اشاره دارد؛ ولی تعدد نسخه‌ها خود گواه بر تعدد راویان و بیانگر شهرت کتاب است. در هیچ‌یک از طرق نجاشی و شیخ طوسی نام ابن ابی عمیر دیده نمی‌شود؛ اما شیخ

ج ۷، ص ۶۶، ح ۲۷، ج ۹، ص ۲۷۷، ح ۱۴۰.

۱. رجال النجاشی، ص ۱۲۷، ش ۳۲۹.

۲. الفهرست، ص ۱۱۴، ش ۱۵۵.

۳. رجال النجاشی، ص ۱۲۷، ش ۳۲۹.

۴. برای نمونه، ن. ک: الکافی، ج ۳، ص ۳۸، ح ۱، ج ۴، ص ۴۰۸، ح ۹، ج ۵، ص ۲۲۹، ح ۵؛ تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۱۰۶، ح ۱۴، ج ۶، ص ۳۷۵، ح ۲۱۳.

۵. رجال النجاشی، ص ۱۳۹، ش ۳۶۱.

۶. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۵۵.

۷. همان، ج ۲، ص ۴۴۲.

۸. رجال النجاشی، ص ۵۲، ش ۱۱۵.

صدوق در ارائه طریق خود به این مؤلف، از روایت ایوب بن نوح از ابن اُبی عمیر خبر داده است.^۱ هیچ روایتی از احمد اشعری از ابن اُبی عمیر از حسین بن زید در کتاب‌های الکافی، تهذیب و دیگر آثار شیخ صدوق وجود ندارد. جز طریق فوق گزارشی از روایت ابن اُبی عمیر از این مؤلف در دست نیست. شیخ صدوق خود نیز در فقیه، دو خبر^۲ را بدون واسطه از حسین بن زید روایت کرده و در خبری دیگر آورده است: «روی محمد بن زیاد عن الحسين بن زيد».^۳

باتوجه به شیوه شیخ صدوق در مشیخه که گاه طریق خود را به افراد، با واسطه دیگر منابع ارائه می‌کند، احتمال نقل این احادیث از منبعی دیگر منتفی نیست. این برداشت باتوجه به کوفی بودن دو طریق ارائه شده از سوی نجاشی و شیخ طوسی تقویت می‌شود. زیرا می‌تواند نشان دهنده عدم دسترسی مشایخ قم به این اثر یا عدم روایت این اثر از سوی ایشان، باشد.

۸. حفص بن البختری

دلیل اشتهاز: «له کتاب یرویه عنه جماعه منهم محمد بن اُبی عمیر».^۴
 روایات اندکی از طریق احمد از ابن اُبی عمیر به حفص برجای مانده است.^۵

۹. الحکم بن حکیم الصیرفی

دلیل اشتهاز: طرق متعدد ارائه شده از سوی نجاشی^۶ و شیخ طوسی.^۷
 نجاشی و شیخ طوسی در برخی از طرق، کتاب این مؤلف را به واسطه محمد بن خالد برقی از ابن اُبی عمیر روایت کرده‌اند. هیچ روایتی از احمد اشعری از ابن اُبی عمیر از حکم در کتب اربعه و آثار صدوق مشاهده نمی‌شود.

۱۰. حماد بن عثمان الناب

دلیل اشتهاز: «روی عنه جماعة».^۸
 وجود طرق متعدد به کتاب وی نیز شهرت آن را تثبیت می‌کند. در یکی از طرق شیخ طوسی به کتاب حماد، روایت حسن بن علی بن فضال از ابن اُبی

۱. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۱۱.
 ۲. همان، ج ۲، ص ۵۸۳، ج ۳، ص ۲۹۶.
 ۳. همان، ج ۳، ص ۳۸۲.
 ۴. رجال النجاشی، ص ۱۳۴، ش ۳۴۴.
 ۵. برای نمونه، ن. ک: الکافی، ج ۲، ص ۴۷۴، ج ۲، ص ۴، ص ۴۴۵، ج ۱.
 ۶. رجال النجاشی، ص ۱۳۷، ش ۳۵۳.
 ۷. الفهرست، ص ۱۶۰، ش ۲۴۸.
 ۸. رجال النجاشی، ص ۱۴۳، ش ۳۷۱.

عمیر از مؤلف، آمده است.^۱ روایات بسیاری از احمد از ابن ابی عمیر از حماد در منابع دیده می‌شود.^۲

۱۱. حمزة بن حمران

دلیل اشتهار: «له کتاب یرویه عدة من أصحابنا».^۳

در طرق نجاشی و شیخ طوسی به این کتاب، نام ابن ابی عمیر نیامده؛ اما شیخ صدوق در تبیین طریق خود به مؤلف، آن را از یعقوب بن یزید از ابن ابی عمیر، روایت کرده است.^۴

تنها یک روایت از احمد اشعری از ابن ابی عمیر از حمزه بن حمران در گزارش منابع آمده است.^۵ شیخ صدوق نیز در فقیه چهار خبر^۶ را از حمزة بن حمران روایت کرده که در آخرین مورد آن‌ها آمده است: «روی حمزة بن حمران یاسناده...». این تعبیر احتمال دسترسی شیخ صدوق به اثر وی را تقویت می‌نماید.

۱۲. حمید بن المثنی العجلی

دلیل اشتهار: تعدد طرق به کتاب حمید بن المثنی.^۷

در طریق شیخ طوسی، کتاب را یعقوب بن یزید و ابن ابی الخطاب از ابن ابی عمیر و صفوان از مؤلف روایت کرده‌اند. با مراجعه به منابع حدیثی می‌توان به سه روایت دست یافت که احمد اشعری از ابن ابی عمیر از حمید، آن‌ها را روایت کرده است.^۸

۱۳. خلاد السدی البزاز

دلیل اشتهار: «له کتاب یرویه عدة منهم ابن ابی عمیر».^۹

نام وی در برخی گزارش‌ها، خلاد السندی آمده است.^{۱۰} در طریق نجاشی و شیخ

۱. الفهرست، ص ۱۵۶، ش ۲۴۰.

۲. برای نمونه، ن. ک: الکافی، ج ۳، ص ۴۸، ۵، ص ۴۴۱، ج ۲، ص ۴، ج ۱، ص ۷۶، ج ۱: تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۱۲۴، ج ۲۶، ص ۱۵۰، ج ۱۱۹: التوحید، ج ۱، ص ۳۸۹، ج ۱۱۹: الخصال، ج ۱، ص ۱۹۰، ج ۲۶۲، ص ۲۳۵، ج ۷۵؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۸۳، ج ۱، ص ۲، ج ۲، ص ۳۹۶، ج ۵.

۳. رجال النجاشی، ص ۱۴۰، ش ۳۴۵.

۴. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۱۲.

۵. الخصال، ج ۱، ص ۱۴، ج ۱.

۶. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۱۷، ص ۵۸۴، ج ۳، ص ۲۲۲، ص ۴۸۲، ص ۵۳۳.

۷. ن. ک: الفهرست، ص ۱۵۴، ش ۲۳۶؛ رجال النجاشی، ص ۱۳۳، ش ۳۴۰.

۸. برای نمونه، ن. ک: الکافی، ج ۵، ص ۲۲۱، ج ۷: تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۶، ج ۸۸، ج ۷، ص ۳۰۹، ج ۴۰، ج ۸، ص ۱۰۵، ج ۴.

۹. رجال النجاشی، ص ۱۵۴، ش ۴۰۵.

۱۰. الفهرست، ص ۱۷۵، ش ۲۷۱.

طوسی به کتاب، نام یحیی بن زکریا و محمد بن مفضل بن ابراهیم الأشعری از ابن ابی عمیر از مؤلف آمده است.^۱ روایات اندکی از احمد اشعری از ابن ابی عمیر از خلاد نقل شده است.^۲

۱۴. ذریح بن محمد المحاربی

دلیل اشتهاز: «له کتاب. یرویه عدة من أصحابنا».^۳

تعدد طرق به کتاب نیز این شهرت را تقویت می‌کند. شیخ طوسی کتاب را از طریق ابراهیم بن هاشم از ابن ابی عمیر از مؤلف گزارش کرده است.^۴ در هیچ سندی روایت احمد از ابن ابی عمیر از ذریح دیده نمی‌شود.

۱۵. ربیع بن عبدالله بن الجارود

دلیل اشتهاز: «له کتاب رواه عنه عدة من أصحابنا».^۵

شیخ طوسی پس از ارائه دو طریق گفته است: «و رواه ابن ابی عمیر عن ربیع بن عبدالله».^۶ از طریق نخست شیخ طوسی چنین برمی‌آید که احمد بن محمد بن عیسی این اثر را به واسطه حسین بن سعید از حماد از ربیع روایت کرده است. با بررسی اسناد برجای مانده در منابع حدیثی نیز گزارشی از روایت احمد اشعری از ابن ابی عمیر از ربیع به چشم نمی‌خورد.

۱۶. رفاعة بن موسی النخاس

دلیل اشتهاز: تعدد طرق ارائه شده از سوی نجاشی و شیخ طوسی.^۷

شیخ طوسی در یکی از طرق، کتاب رفاعة را به واسطه یعقوب بن یزید و محمد بن الحسین از محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی از رفاعة، گزارش کرده است. شیخ طوسی، طریق دوم خود را به روایت احمد اشعری از بزنطی از ابن فضال از رفاعة، اختصاص داده است. روایتی از احمد اشعری از ابن ابی عمیر از رفاعه در دست نیست.

۱۷. زید النرسی

دلیل اشتهاز: «له کتاب یرویه جماعة».^۸

۱. رجال النجاشی، ص ۱۵۴، ش ۴۰۵؛ الفهرست، ص ۱۷۵، ش ۲۷۱.
۲. ن. ک: تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۳۷۸، ۲۳۲، ج ۹، ص ۳۸۷، ح ۴.
۳. رجال النجاشی، ص ۱۶۳، ش ۴۳۱.
۴. الفهرست، ص ۱۸۹، ش ۲۷۹.
۵. رجال النجاشی، ص ۱۶۷، ش ۴۴۱.
۶. الفهرست، ص ۱۹۵، ش ۲۹۴.
۷. ن. ک: رجال النجاشی، ص ۱۶۶، ش ۴۳۸؛ الفهرست، ص ۱۹۶، ش ۲۹۶.
۸. رجال النجاشی، ص ۱۷۴، ش ۴۶۰.

نجاشی کتاب زید را به واسطه ابراهیم بن هاشم از ابن اُبی عمیر از زید النرسی، گزارش کرده است. در هیچ سندی روایت احمد اشعری از ابن اُبی عمیر از زید النرسی، دیده نمی شود.

۱۸. سلیم الفراء

دلیل اشتهاز: «له کتاب یرویه جماعة منهم محمد بن اُبی عمیر»^۱.
دو روایت از احمد اشعری از ابن اُبی عمیر از سلیم در منابع حدیثی در دسترس قرار دارد.^۲

۱۹. شعیب بن یعقوب العقرقوفی

دلیل اشتهاز: «له کتاب یرویه حماد بن عیسی و غیره»^۳.
در دو طریق شیخ طوسی به کتاب شعیب، روایت ابراهیم بن هاشم و یعقوب بن یزید و علی بن السنندی از حماد بن عیسی و ابن اُبی عمیر از مؤلف، آمده است.^۴ همچنین از بررسی راویان از شعیب می توان حدس زد که صفوان نیز دیگر راوی کتاب شعیب است. گزارشی از روایت احمد اشعری از ابن اُبی عمیر از شعیب بن یعقوب به دست نیامد.^۵

۲۰. صفوان بن مهران الجمال

دلیل اشتهاز: «له کتاب یرویه جماعة»^۶.
در طریق ارائه شده از سوی شیخ صدوق^۷، این کتاب به واسطه ابراهیم بن هاشم از ابن اُبی عمیر از مؤلف، روایت شده است. حدیثی از طریق احمد اشعری از ابن اُبی عمیر از صفوان در دست نیست.

۲۱. عبدالله بن اُبی یعفر

دلیل اشتهاز: «له کتاب یرویه عنه عدة من أصحابنا»^۸.

۱. رجال النجاشی، ص ۱۹۳، ش ۵۱۶.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۵۲۳، ح ۶، ج ۶، ص ۴۹۳، ح ۱.

۳. رجال النجاشی، ص ۱۹۵، ش ۵۲۰.

۴. الفهرست، ۲۳۵، ش ۳۵۱.

۵. سند موجود در تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۲۵، مردد بوده و ممکن است منظور از احمد بن محمد، برقی باشد. همچنین احتمال دارد منظور از شعیب، شعیب بن اُعین باشد.

۶. رجال النجاشی، ص ۱۹۸، ش ۵۲۵.

۷. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۳۶.

۸. رجال النجاشی، ص ۲۱۳، ش ۵۵۶.

در طریق شیخ صدوق^۱ روایت محمد بن خالد برقی از ابن اُبی عمیر از حماد بن عثمان از ابن اُبی یعفور، مشاهده می‌شود. در هیچ‌یک از اسناد، هم‌زمان نام احمد بن محمد، ابن اُبی عمیر و ابن اُبی یعفور، نیامده است.

۲۲. عبدالله بن سنان

دلیل اشتهار: «روی هذه الكتب عنه جماعات من أصحابنا»^۲.

شیخ طوسی تنها یک اثر به ابن سنان نسبت داده و در معرفی طریق خود به این اثر، آن را از یعقوب بن یزید و محمد بن ابن اُبی الخطاب از محمد بن اُبی عمیر از ابن سنان، روایت کرده است.^۳ در سند دو روایت، نام احمد از ابن اُبی عمیر از عبدالله بن سنان آمده است.^۴

۲۳. عبدالله بن مسکان

دلیل اشتهار: تعدد طرق شیخ صدوق، نجاشی و شیخ طوسی.^۵

شیخ طوسی در طریق به کتاب آورده است: «رویناه بالإنساند الأول عن اُبی عمیر و صفوان جمیعا عنه».^۶ چند گزارش از روایت احمد از ابن اُبی عمیر از عبدالله بن مسکان در دست است.^۷

۲۴. عمر بن یزید بیاع السابری

دلیل اشتهار: گوناگونی طرق ارائه شده در فهرس و تعدد راویان کتاب.

محمد بن اُبی عمیر، صفوان بن یحیی، الحسین بن عمر بن یزید، محمد بن عباس، محمد بن عذافرو محمد بن عبد الحمید، همگی راوی کتاب عمر بن یزید بوده‌اند.^۸ شیخ صدوق یکی از سه طریق خود به عمر بن یزید را به واسطه یعقوب بن یزید از محمد بن اُبی عمیر و صفوان بن یحیی از مؤلف،^۹ ارائه داده است.

۱. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۸.

۲. رجال النجاشی، ص ۲۱۴، ش ۵۵۸.

۳. الفهرست، ص ۲۹۱، ش ۴۳۴.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۶؛ در سند موجود در الخصال، ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۲۹، احتمال افتادگی نام حسین بن سعید بسیار زیاد است.

۵. ن. ک: رجال النجاشی، ص ۲۱۴، ش ۵۵۹؛ الفهرست، ص ۲۹۴، ش ۴۴۱؛ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۶۱.

۶. الفهرست، ص ۲۹۴، ش ۴۴۱.

۷. الکافی، ج ۳، ص ۵۰۴، ح ۱۰؛ تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲۱۰، ح ۴، ج ۹، ص ۲۹۵، ح ۱۶.

۸. ن. ک: رجال النجاشی، ص ۲۸۳، ش ۷۵۱؛ الفهرست، ص ۳۲۴، ش ۵۰۳؛ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۵.

۹. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۵.

تنها در کتاب امالی شیخ مفید^۱ گزارش بدون واسطه احمد اشعری از ابن ابی عمیر از عمر بن یزید آمده است. این سند با گزارش کشی^۲ از همین خبر که ابراهیم بن عبد الحمید در میان ابن ابی عمیر و عمر بن یزید قرار دارد، ناهماهنگ است.

۲۵. معاویه بن عمار الدهنی

دلیل اشتهاز: «رواه عنه جماعة كثيرة من أصحابنا و نحن ذاکرون بعض طرفهم»^۳. کتاب الحج معاویة بن عمار از منابع بسیار مشهور است. نجاشی این کتاب را از طریق جعفر بن عبدالله المحمدی از ابن ابی عمیر از معاویة، گزارش کرده است. در روایات معدودی نام احمد اشعری، ابن ابی عمیر و معاویة دیده می شود.^۴

۲۶. معاویه بن وهب

دلیل اشتهاز: تعدد طریق و راویان.

نجاشی از طریق خود به کتاب فضائل الحج معاویة به واسطه یعقوب بن یزید از ابن ابی عمیر از مؤلف خبر داده است.^۵ شیخ طوسی نیز احمد بن محمد از علی بن الحکم از معاویة و ابراهیم بن هاشم از ابن ابی عمیر از مؤلف را در دو طریق خود معرفی کرده است.^۶ تنها در سند یک روایت در بحث حج، نام احمد اشعری، ابن ابی عمیر و معاویة دیده می شود.^۷

۲۷. هشام بن سالم الجوالیقی

دلیل اشتهاز: «له کتاب یرویه جماعة»^۸.

ابن نهیک از ابن ابی عمیر از هشام در طریق نجاشی حضور دارند.^۹ در روایات بسیاری نام احمد اشعری، ابن ابی عمیر و هشام بن سالم دیده می شود.^{۱۰}

۱. الأمالی، شیخ مفید، ص ۱۳۶.

۲. اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۷۲.

۳. رجال النجاشی، ص ۴۱۱، ش ۱۰۹۶.

۴. تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۴۵۹، ح ۲۴۲.

۵. رجال النجاشی، ص ۴۱۲، ش ۱۰۹۷.

۶. الفهرست، ص ۴۶۳، ش ۷۳۸.

۷. تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۴۴۱، ح ۱۷۹.

۸. رجال النجاشی، ص ۴۳۴، ش ۱۱۶۵.

۹. همان، ص ۴۳۴، ش ۱۱۶۵.

۱۰. برای نمونه، ن. ک: الکافی، ج ۱، ص ۳۰۶، ح ۲، ج ۲، ص ۴۷۴، ح ۲، ج ۳، ص ۲۸۵، ح ۹؛

تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۳۰۰، ح ۶۴، ص ۳۲۹، ح ۲۰۵، ج ۷، ص ۱۲، ح ۴۹.

۲۸. هاشم بن المثنی الحنط

دلیل اشتهار: «له کتاب یرویه جماعة»^۱.

در طریق نجاشی به کتاب، نام عبیدالله بن احمد بن نهیک از ابن ابی عمیر از مؤلف دیده می‌شود. تنها یک روایت از احمد اشعری از ابن ابی عمیر از هاشم بن المثنی در کتب حدیثی دیده می‌شود.^۲

شش تن از راویان ذکرشده در گروه الف یعنی؛ اسحاق بن عمار، جمیل بن دراج، جمیل بن صالح، حماد بن عثمان، عبدالله بن مسکان و هشام بن سالم، را با استناد به سه شاهد، می‌توان در شمار کسانی قرار داد که احمد بن محمد بن عیسی آثار ایشان را از ابن ابی عمیر روایت کرده است. این سه شاهد عبارت‌اند از: نخست، وجود گزارشی از روایت کتاب از سوی ابن ابی عمیر در فهارس؛ دوم، شهرت اثر؛ سوم، فراوانی روایت احمد اشعری از ابن ابی عمیر از ایشان. این در حالی است که در طرق موجود در فهارس، مستندی بر روایت احمد از ابن ابی عمیر از این افراد در دست نیست. بر این اساس با افزودن این شش نفر به فهرست قبلی تعداد افراد را می‌توان بالغ بر ۷۸ تن دانست.

این کمترین تعداد از گروه الف است که می‌توان به مجموعه مؤلفان پیش‌گفته افزود. در این مرحله تلاش می‌شود با بیان برخی مقدمات احتمال انضمام افراد دیگر در این گروه را به مجموعه قوت بخشید.

گذشت که شهرت یک کتاب نشانه اعتماد راویان و اعتبار نسبی آن تلقی می‌شود. روشن است که پذیرش یک اثر از سوی اصحاب و اشتهار آن در نزد محدثان، سبب می‌شود که آن کتاب از گزندهای احتمالی مصون مانده و در طول زمان از دایره روایتگری اصحاب به نسل‌های بعدی، خارج نشود. طبعاً شهرتی که ملازم با اعتبار نسبی کتاب است در طبقات بعدی راویان استمرار خواهد یافت. بر این اساس خارج شدن یک کتاب از حد شهرت در دو یا سه طبقه بعد از زمان مؤلف، با شهرت ابتدائی آن بعید به نظر می‌رسد.

از مسافرت‌های فراوان احمد اشعری به کوفه و بغداد، و عزم وی بر انتقال میراث حدیثی آن دیار به قم و رابطه بسیار زیاد وی با ابن ابی عمیر، می‌توان حدس زد علی‌القاعده آثار پدیدآورندگان معرفی‌شده در گروه الف به احمد اشعری

۱. رجال النجاشی، ص ۴۳۵، ش ۱۱۶۷.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۳۲۸، ح ۸.

نیز رسیده است. این گمان با فرض دستیابی ابن ابی عمیر به آثار مشهور در عصر مؤلف بسیار قوت خواهد یافت.

نکته حائز اهمیت در تأیید این مطلب آن است که اصحاب حدیث غالباً برای دریافت نسخه‌های آثار به یک استاد رجوع نکرده و به دریافت نسخ دیگر اساتید نیز نظر داشته‌اند. این نکته با مراجعه به کتب فهارس برجای مانده و بررسی طرق، کاملاً قابل اثبات است؛^۱ بنابراین احتمال آنکه روایت احمد اشعری از دیگر مشایخ در فهارس به ثبت نرسیده و گزارش وی از ابن ابی عمیر در دسترس نباشد، قابل پذیرش است.

با این بیان روشن می‌شود که علاوه بر آنکه احتمالاً آثار مؤلفان گروه الف به دست احمد اشعری رسیده، بلکه به دلیل شهرت، ازسوی وی گزارش نیز شده است؛ مگر آنکه دلیلی روشن بر نپذیرفتن احمد بن محمد بن عیسی در دست باشد که نیست.

بنابراین بفرض پذیرش این مقدمات، همه آثار فهرست شده در گروه الف نیز در شمار کتب روایت شده ازسوی احمد اشعری از ابن ابی عمیر از مؤلفان قرار دارد. این مجموعه با احتساب ۷۲ مؤلف حاضر در فهرست مؤلفان، به حدود صد نفر خواهد رسید که مطابق گزارش شیخ طوسی است.

گروه ب

این دسته شامل مؤلفانی است که گزارش آثار ایشان ازسوی ابن ابی عمیر در منابع موجود بوده؛ اما شاهی بر شهرت آن‌ها در دست نیست. همچنین دلیلی اطمینان‌آور از روایت این آثار ازسوی احمد بن محمد بن عیسی از ابن ابی عمیر در اختیار نداریم. یادآوری این نکته ضروری است که در مواردی که نام این افراد در فهارس نیامده تنها به گزارش مشیخه شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه، استناد شده است. راویان این گروه عبارت‌اند از:

۱. اسماعیل بن الفضل

شیخ صدوق احادیث وی را در فقیه از طریق عبدالله بن عامر از ابن ابی عمیر از

۱. برای نمونه، ن. ک: به طرق ارائه شده در فهرست، ص ۱۷، ش ۱۲، ص ۲۹۱، ش ۴۳۴؛ الکافی، ج ۴، ص ۳۲۶، ح ۱، و ص ۳۲۵، ح ۳؛ الإستبصار، ج ۲، ص ۱۵۶، ح ۱۹

عبدالرحمن بن محمد از فضل، پسر مؤلف از مؤلف، روایت کرده است.^۱ اسماعیل بن الفضل همان کسی است که شیخ صدوق رساله حقوق امام سجاد علیه السلام را از طریقی دیگر از او و به واسطه ابو حمزه ثمالی روایت کرده است.^۲ بر اساس این شواهد می‌توان ابن الفضل را در شمار مؤلفان جای داد. هیچ سندی مشتمل بر نام احمد بن محمد بن عیسی، ابن ابی عمیر و اسماعیل بن الفضل در منابع حدیثی یافت نشد.

۲. بکیر بن اعین

شیخ صدوق در طریق خود به بکیر آن را به واسطه ابراهیم بن هاشم از ابن ابی عمیر از بکیر، گزارش کرده است.^۳ تنها در یک گزارش روایت احمد بن عیسی از ابن ابی عمیر از عمر بن اذینه از بکیر دیده می‌شود.^۴

۳. حریر بن عبدالله السجستانی

نجاشی در معرفی طریق خود به کتاب صلاة حریر از نام ابن نهیک از ابن ابی عمیر از حماد از حریر، بهره برده است.^۵ در طریق شیخ طوسی نیز نام همین افراد دیده می‌شود.^۶ در سند هیچ حدیثی هم‌زمان نام احمد اشعری، ابن ابی عمیر و حریر نیامده است.

۴. الحسین بن ابی العلاء الخفاف

شیخ طوسی در طریق کتاب وی از ابن ابی الخطاب از ابن ابی عمیر و صفوان از مؤلف، نام برده است.^۷ تنها در یک گزارش روایت احمد اشعری از ابن ابی عمیر از خفاف آمده است.^۸

۵. الحسین بن مصعب الهمدانی

در طریق شیخ طوسی، طاطری از ابن ابی عمیر از مؤلف روایت دارد.^۹ روایات اندکی را احمد از ابن ابی عمیر از حسین بن مصعب روایت کرده است.^{۱۰}

۱. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۰۵.

۲. همان، ج ۴، ص ۵۱۲.

۳. همان، ج ۴، ص ۴۴۱.

۴. الفصول المختاره، ص ۱۸۰.

۵. رجال النجاشی، ص ۱۴۴، ش ۳۷۵.

۶. الفهرست، ص ۱۶۹، ش ۲۴۹.

۷. همان، ص ۱۴۰، ش ۲۰۴.

۸. الکافی، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۱.

۹. الفهرست، ص ۱۴۹، ش ۲۲۹.

۱۰. الأمالی، الشیخ الصدوق، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۴؛ الخصال، ج ۱، ص ۱۲۳، ح ۱۱۸، ص ۱۲۸، ح ۱۳۱.

۶. حمدان بن المهلب القمی

عبارت «له كتاب يرويه محمد بن أبي عمير»^۱ تنها گزارش مرتبط با او است که برجای مانده و هیچ اطلاع دیگری از وی در دست نیست.

۷. رومی بن زرارة بن أعین

شیخ صدوق روایات رومی بن زرارة در فقیه را از طریق عبدالله بن عامر از ابن ابی عمیر از وی، گزارش کرده است.^۲ روایتی از ابن ابی عمیر از رومی در منابع حدیثی دیده نمی‌شود. همه افراد حاضر در طریق شیخ صدوق، مؤلف اثری بوده‌اند؛ بنابراین احتمال نقل از منابع واسطه در فقیه منتفی نیست.

۸. زرارة بن أعین

شیخ طوسی در طریقش به زرارة، محمد بن خالد برقی از ابن ابی عمیر از بعض اصحابه از زرارة را نقل می‌کند.^۳ در تعدادی از روایات، نام احمد اشعری، ابن ابی عمیر و زرارة دیده می‌شود.^۴ نکته آن است که برخلاف شهرت فوق العاده زرارة جز اثری با عنوان «الاستطاعة و الجبر»^۵ به وی منسوب نیست. می‌توان حدس زد که زرارة مجموعه احادیث خود را در قالب اثری مکتوب در اختیار دیگران قرار نداده است؛ وگرنه لااقل باید گزارشی از آن در فهرس به ثبت می‌رسید.

۹. زیاد بن سوجه

در طریق شیخ صدوق به وی، ایوب بن نوح از ابن ابی عمیر از ابن سوجه آمده است.^۶ در منابع حدیثی سندی مشتمل بر نام ابن ابی عمیر و زیاد بن سوجه در دست نیست.

۱۰. زید الزراد

نجاشی کتاب زید زراد را به واسطه محمد بن عیسی بن عبید از ابن ابی عمیر از مؤلف گزارش کرده است.^۷ از سوی دیگر بر اساس گزارش شیخ طوسی،^۸ ابن ولید

۱. رجال النجاشی، ص ۱۳۹، ش ۳۵۹.

۲. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۲۶.

۳. الفهرست، ص ۲۰۹، ش ۳۱۲.

۴. برای نمونه، ن. ک: الکافی، ج ۱، ص ۴۴۶، ح ۲۲، ج ۷، ص ۸۶، ح ۳؛ تهذیب الأحکام، ج ۲،

ص ۳۱۸، ح ۱۵۷، ج ۳، ص ۳۲۳، ح ۳۲.

۵. رجال النجاشی، ص ۱۷۵، ش ۴۶۳؛ الفهرست، ص ۲۰۹، ش ۳۱۲.

۶. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۵۲.

۷. رجال النجاشی، ص ۱۷۵، ۴۶۱.

۸. الفهرست، ص ۲۰۱، ش ۳۰۰.

این کتاب را «موضوع» می‌دانسته و از روایت آن پرهیز داشته؛ اما ابن غضائری^۱ این ادعا را رد کرده است. روایتی از طریق احمد اشعری از ابن ابی عمیر از زید الزراد، گزارش نشده است.

۱۱. سلیمان بن خالد الاقطع

نجاشی گفته است که سلیمان مؤلف اثری است که ابن مسکان آن را روایت کرده است.^۲ در طریق شیخ صدوق به سلیمان، ابراهیم بن هاشم از ابن ابی عمیر از هشام بن سالم از سلیمان، دیده می‌شود.^۳ تعدادی از احادیث، از طریق احمد اشعری از ابن ابی عمیر به واسطه هشام از سلیمان روایت شده است.^۴

۱۲. عبدالرحمن بن ابی عبدالله البصری

شیخ صدوق طریق خود به وی را به واسطه ایوب بن نوح از ابن ابی عمیر و دیگران از عبدالرحمن بن ابی عبدالله، نقل کرده است.^۵ در احادیث برجای مانده، هیچ حدیثی را احمد اشعری از ابن ابی عمیر از عبدالرحمن روایت نکرده است.

۱۳. عبدالله بن سلیمان

شیخ صدوق گفته است؛ احادیث عبدالله را به واسطه یعقوب بن یزید از صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر از عبدالله بن سلیمان، نقل کرده است.^۶ روایت بدون واسطه‌ای از ابن ابی عمیر از عبدالله بن سلیمان در دست نیست.

۱۴. علی بن عطیة

شیخ طوسی علی بن عطیة را مؤلف کتابی دانسته که برقی از ابن ابی عمیر از علی بن عطیة روایت کرده است.^۷ روایات اندکی از طریق احمد از ابن ابی عمیر از ابن عطیة برجای مانده است.^۸

۱۵. عمر بن یزید بن ذبیان

نجاشی طریق خود به عمر بن یزید را به واسطه علی بن الحسن بن فضال از

۱. الرجال لابن الغضائری، ص ۶۲، ش ۳.

۲. رجال النجاشی، ص ۱۸۳، ش ۴۸۴.

۳. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۳۹.

۴. برای نمونه، ن. ک: الکافی، ج ۳، ص ۲۸۵، ح ۹، ص ۳۷۹، ح ۳، ج ۷، ص ۱۴۶، ح ۱، ص ۲۱۸، ح ۳؛ تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۹۹، ح ۱۲، ج ۹، ص ۳۳۴، ح ۴.

۵. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۶.

۶. همان، ج ۴، ص ۴۶۳.

۷. الفهرست، ص ۲۸۳، ش ۴۲۱.

۸. الکافی، ج ۲، ص ۳۰۰، ح ۵، ج ۵، ص ۱۴۹، ح ۷؛ تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۳، ح ۴.

ابن اُبی عمیر از مؤلف، گزارش کرده است.^۱ در اسناد روایات نام هم‌زمان سه راوی یعنی احمد اشعری، ابن اُبی عمیر و عمر بن یزید دیده نمی‌شود.

۱۶. محمد بن علی بن النعمان الاحول

شیخ طوسی آثار متعددی را به وی نسبت داده است.^۲ در طریق شیخ صدوق، ابراهیم بن هاشم از دو استادش ابن اُبی عمیر و ابن محبوب از محمد بن نعمان، روایت کرده است.^۳ تنها در سند دو روایت نام احمد اشعری، ابن اُبی عمیر و احول دیده می‌شود.^۴

در این گروه تنها می‌توان نام سلیمان بن خالد الاقطع را به عنوان برگزیده قرار گرفتن در فهرست کسانی که کتاب ایشان از طریق ابن اُبی عمیر به احمد اشعری و ازسوی او به دیگران روایت شده، قرار داد. وجود گزارشی از روایت اثر به واسطه ابن اُبی عمیر و دسترسی به گزارش‌های متعدد از حضور این سه تن در اسناد احادیث، مستند این برداشت است.

گروه ج

این گروه به راویانی اختصاص دارد که کتاب ایشان در شمار منابع مشهور قرار دارد؛ اما در کتب فهارس و مشایخ از ابن اُبی عمیر به عنوان راوی کتاب یاد نشده است؛ اما در پاره‌ای موارد روایت بدون واسطه ابن اُبی عمیر از ایشان مشاهده می‌شود. می‌توان این گمان را در این گروه مطرح کرد که به دلیل شهرت اثر و بر فرض گستردگی گزارش احمد اشعری از ابن اُبی عمیر از مؤلف در اسناد احادیث، احتمالاً اثر مورد بحث نیز در شمار منابع روایت شده ازسوی این دو راوی بوده است. راویان این گروه عبارت‌اند از:

۱. داود بن الحصین الاسدی

دلیل اشتهاز: «له کتاب یرویه عنه عدة من أصحابنا».^۵

تنها یک روایت از طریق احمد اشعری از ابن اُبی عمیر از داود نقل شده است.^۶

۱. رجال النجاشی، ص ۲۸۶، ش ۷۶۳.

۲. الفهرست، ص ۳۸۸، ش ۵۹۵.

۳. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۸.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۱۳۳، ح ۱؛ تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۱۷، ح ۲۹.

۵. رجال النجاشی، ص ۱۵۹، ش ۴۲۱.

۶. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۱۹، ح ۳۳۳۶۶.

۲. زید الشحام

دلیل اشتها: «له کتاب یرویه جماعة»^۱.
 تنها در دو مورد احمد بن محمد از ابن ابی عمیر به واسطه فردی دیگر، روایتی را از زید الشحام، نقل کرده است.^۲

۳. سیف بن عمیره

دلیل اشتها: «له کتاب یرویه جماعات من أصحابنا»^۳.
 روایات بسیار اندکی از طریق احمد بن محمد از ابن ابی عمیر از سیف بن عمیره روایت شده است.^۴

۴. صباح بن صبیح الحذاء (ابوالصباح الحذاء)

دلیل اشتها: «له کتاب یرویه عنه جماعة»^۵.
 تنها یک سند مشتمل بر نام هر سه راوی است.^۶

۵. عاصم بن حمید الحنات

دلیل اشتها: تعدد طرق به کتاب وی.^۷
 گزارشی از روایت احمد اشعری از ابن ابی عمیر از عاصم در دست نیست.^۸

۶. عبدالله بن بکیر بن اعین

دلیل اشتها: «له کتاب کثیر الرواة»^۹.
 روایت احمد بن محمد از ابن ابی عمیر از ابن بکیر بسیار اندک است.^{۱۰}

۷. عبید بن زراره

دلیل اشتها: «له کتاب یرویه جماعة عنه»^{۱۱}.
 روایات اندکی از طریق احمد از ابن ابی عمیر از عبید گزارش شده است.^{۱۲}

۱. رجال النجاشی، ص ۱۷۵، ش ۴۶۲.
 ۲. تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۷۲، ح ۳۳، ج ۷، ص ۸۰، ح ۶۰.
 ۳. رجال النجاشی، ص ۱۸۹، ش ۵۰۴.
 ۴. الکافی، ج ۱، ص ۳۳، ح ۸، ص ۱۸۶، ح ۶، ج ۲، ص ۴۷۵، ح ۳.
 ۵. رجال النجاشی، ص ۲۰۱، ش ۵۳۸.
 ۶. الأمالی، الشیخ الطوسی، ص ۱۰۲، ح ۱۲.
 ۷. رجال النجاشی، ص ۳۰۱، ش ۸۲۱؛ الفهرست، ص ۳۴۵، ش ۵۴۴.
 ۸. در سند الاستبصار، ج ۴، ص ۲۱۷، ح ۳، به قرینه تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۲، ح ۳، «ابن ابی نجران» صحیح است.
 ۹. رجال النجاشی، ص ۲۲۲، ش ۵۸۱.
 ۱۰. الکافی، ج ۱، ص ۲۷۹، ح ۴؛ تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۰۸، ح ۶، ص ۲۱۳، ح ۳؛ الأمالی، طوسی، ص ۴۴، ح ۱۹.
 ۱۱. رجال النجاشی، ص ۲۳۳، ش ۶۱۸.
 ۱۲. الکافی، ج ۵، ص ۲۸۸، ح ۳؛ تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲۳۱، ح ۱۶.

۸. العلاء بن رزین القلاء

دلیل اشتهار: «له كتب یرویها جماعة»^۱.

تعدد طرق شهر آن را تقویت می‌کند. تنها در یک سند، روایت احمد بن محمد بن عیسی از ابن ابی عمیر از علاء بن رزین آمده است.^۲

۹. غیاث بن ابراهیم التمیمی

دلیل اشتهار: «له كتاب مبوب فی الحلال و المحرام یرویه جماعة»^۳.

تعدد طرق، عامل تثبیت این اشتهار است. روایات منقول از احمد از ابن ابی عمیر از غیاث بسیار اندک است.^۴

۱۰. الفضیل بن یسار بن یسار

دلیل اشتهار: «له كتاب یرویه جماعة»^۵.

تنها سند یک روایت مشتمل بر نام سه راوی است.^۶

۱۱. القاسم بن عروة

دلیل اشتهار: تعدد طرق.^۷

تعداد بسیار اندکی از روایات از طریق احمد از ابن ابی عمیر از قاسم گزارش شده است.^۸

۱۲. مرازم بن حکیم

دلیل اشتهار: «له كتاب یرویه جماعة»^۹.

تنها یک روایت مشتمل بر نام سه راوی است.^{۱۰}

۱۳. محمد بن الفضیل

دلیل اشتهار: «... حدثنا محمد بن الحسین بن أبی الخطاب عن محمد بن فضیل

بكتابه و هذه النسخة یرویها جماعة»^{۱۱}.

۱. رجال النجاشی، ۲۹۸، ش ۸۱۱.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۳۸۸، ح ۳۲.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۰۵، ش ۸۳۳؛ الفهرست، ص ۳۵۵، ش ۵۶۱.

۴. الکافی، ج ۵، ص ۲۷۸، ح ۳.

۵. رجال النجاشی، ص ۳۰۹، ش ۸۴۶.

۶. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۷، ح ۱۰.

۷. رجال النجاشی، ص ۳۱۴، ش ۸۶۰؛ الفهرست، ص ۳۷۲، ش ۵۷۹.

۸. الکافی، ج ۴، ص ۱۰۰، ح ۲؛ تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۹، ح ۳۶.

۹. رجال النجاشی، ص ۴۲۴، ش ۱۱۳۸.

۱۰. الکافی، ج ۲، ص ۱۴۲، ح ۳.

۱۱. رجال النجاشی، ص ۳۶۷، ش ۹۹۵.

هیچ گزارش قابل اعتمادی از حضور این سه در یک سند در دست نیست.^۱

۱۴. هاشم بن حیان (ابوسعید المکاری)

دلیل اشتهار: «له کتاب یرویه جماعة».^۲

روایات منقول از احمد از ابن اُبی عمیر از هاشم بسیار اندک است.^۳

به کمک شواهد سندی نمی‌توان هیچ‌یک از افراد موجود در این گروه را در شمار مؤلفانی آورد که احمد اشعری به واسطه ابن اُبی عمیر کتاب ایشان را روایت کرده است. در صورت پذیرش استدلالی که در انتهای گروه الف درباره شهرت کتب و سیرانتقال آن‌ها به احمد اشعری بیان شد، می‌توان همان تقریر را در این گروه نسبت به شخص ابن اُبی عمیر تعمیم داد. از این رو با اثبات شهرت یک کتاب از آثار اساتید ابن اُبی عمیر، انتقال آن به وی هم مفروض انگاشته می‌شود. در نتیجه راویان این گروه را نیز باید در گروه الف جای داد و همان احکام را بر آن بار کرد. در این صورت تعداد چهارده منبع به مجموعه منابع گزارش شده از سوی احمد اشعری از ابن اُبی عمیر افزوده شده و تعداد بالغ بر ۱۱۴ عدد خواهد شد.

گروه د

بر اساس تقسیم چهارگانه، این گروه به کسانی اختصاص دارد که در اسناد روایات آن‌ها، نام احمد بن محمد از ابن اُبی عمیر دیده می‌شود؛ اما به دلایلی روایت کتاب ایشان از سوی ابن اُبی عمیر و گزارشی از شهرت آن‌ها، در دست نیست. بنابراین، احتمال اینکه بتوان روایت کتاب ایشان از طریق احمد اشعری از ابن اُبی عمیر را ثابت کرد، بسیار اندک است. از این رو در بررسی اسامی و آثار ایشان فایده چندانی متصور نبود و از پرداختن به آن صرف نظر گردید.

جمع بندی

از مجموعه مباحث ارائه شده در این نوشتار، اهتمام محدثان و راویان امامیه در انتقال میراث حدیثی ائمه علیهم‌السلام در قالب آثار مکتوب به روشنی آشکار می‌شود. در این فرآیند نقش بی‌بدیل شخصیت‌های برجسته‌ای چون ابن اُبی عمیر و احمد

۱. ن.ک: الکافی، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۳.

۲. رجال النجاشی، ص ۴۳۶، ش ۱۱۶۹.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۵۵۲، ح ۷؛ معانی الاخبار، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۳۹.

بن محمد بن عیسی اشعری نیز پدیدار خواهد شد.

با بررسی‌های انجام‌شده برای راستی‌آزمایی قول شیخ طوسی در گزارش روایت احمد اشعری از ابن ابی عمیر از آثار صد تن از اصحاب امام صادق علیه السلام، این نتیجه به دست آمد که؛ در اطلاعات ارائه‌شده در فهرس به شکل صریح ۷۲ تن از این افراد معرفی شده‌اند. برای کشف سایر افراد باید از شواهد موجود در اسناد احادیث، شهرت آثار و پی‌جویی منابع روایت‌شده از سوی ابن ابی عمیر بهره برد. با استناد به این شواهد می‌توان حدود شش تن دیگر را به این مجموعه افزود. اگر شهرت اثر و وجود گزارش روایت کتاب از سوی ابن ابی عمیر را برای دستیابی احمد اشعری به کتاب و روایت آن به دیگران را کافی بدانیم، احتمالاً بتوان نزدیک به ۲۸ فرد (همه افراد حاضر در گروه الف) را به فهرست مؤلفان بیفزاییم. در این صورت عدد حاصل به صد نفر افزایش خواهد یافت. البته با اندکی مسامحه و با همین پیش‌فرض امکان افزودن حدود چهارده نفر دیگر (افراد حاضر در گروه ج) نیز فراهم می‌آید.

بر این اساس، عدد گزارش‌شده از سوی شیخ طوسی قرین واقعیت خواهد شد. در هر صورت باید پذیرفت که ظاهراً، گزارش شیخ طوسی در صدد تعیین دقیق این پدیدآورندگان نبوده و عدد ارائه‌شده در آن تقریبی است.

۱. اختیار معرفة الرجال، محمد بن عمر کشی، تحقیق مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۳۶۳ ش.
۲. الإستبصار، محمد بن الحسن طوسی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ش.
۳. «اعتبار سنجی روایات شیعه بر پایه ارزیابی منابع مکتوب (تا قرن پنجم هجری)»، احسان سرخه‌ای، استاد راهنما: سید محمد کاظم طباطبایی، ۱۳۹۳ ش.
۴. الأمالی، محمد بن الحسن طوسی، تحقیق مؤسسه البعثة. قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۵. الامالی، محمد بن علی ابن بابویه. تهران: کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۶. الأمالی، محمد بن محمد مفید. قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۷. «بازیژوهی منابع الکافی (بخش الاصول)»، محمود ملکی، استاد راهنما: محمد کاظم رحمان ستایش، ۱۳۹۶ ش.
۸. بازسازی متون کهن حدیث شیعه، سید محمد عمادی حائر. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
۹. «بازشناسی منابع کلینی در تدوین کافی»، عبدالرضا حمادی و سید علیرضا حسینی. دوفصلنامه حدیث پژوهی، شماره ۱۱، ۱۳۹۳ ش.
۱۰. التوحید، محمد بن علی ابن بابویه. قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق.
۱۱. تهذیب الاحکام، محمد بن الحسن طوسی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. الخصال، محمد بن علی ابن بابویه. قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۱۳. رجال ابن الغضائری، احمد بن حسین ابن غضائری. قم: دارالحدیث، ۱۳۶۴ ش.
۱۴. رجال البرقی، احمد بن محمد بن خالد برقی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.
۱۵. رجال الطوسی، محمد بن الحسن طوسی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۳ ش.
۱۶. رجال الکشی، محمد بن عمر کشی. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.

۱۷. رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۵ ش.
۱۸. رسائل فی درایة الحدیث، ابوالفضل حافظیان البابی. قم: دارالحدیث، ۱۳۸۲ ش.
۱۹. علل الشرایع، محمد بن علی ابن بابویه. قم: کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵ ش.
۲۰. الفصول المختارة، محمد بن محمد مفید، تحقیق میر شریفی. قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۱. الفهرست، محمد بن الحسن طوسی. قم: مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ ق.
۲۲. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۳. کتاب من لایحضره الفقیه، محمد بن علی ابن بابویه. قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۳ ق.
۲۴. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
۲۵. وسائل الشیعة، محمد بن حسن حر عاملی. تحقیق مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.

